

Lived experience of female representatives of Affirmative action strategy in Afghanistan (phenomenological study)

Mohamad Hosein khaliqy*

Mohamad Aasf Mohseni**

Abstract

After the Bonn Summit in Germany in 2001, followed by the adoption of the new Constitution of Afghanistan in 2003 and the Electoral Law in 2004, affirmative action strategy with a clear and systematic mechanism to improve the status of women in socio-political participation entered the Afghan legal literature. With the passage of time prosperous life of women in Afghanistan required that in this qualitative study the above strategy be represented and narrated from the perspective of the lived experience of women representatives. In this regard, data collection and coding was done in interview with 15 female representatives in person. According to the findings, facilitating competition with men, creating opportunities, productivity of gender diversity, and flexibility in laws indicate the need for women this strategy. The results also showed developing the ability and capability of women. Because the emergence of ability, the acquisition of skills and experience, complement meritocracy, are among the categories that were extracted from the experience of female representatives. What matters is how this strategy is implementation; based on the findings, unequal access, blame, feelings of inferiority, patriarchy, abuse and

* PhD student in Women's Studies; Faculty of Women and Family, Qom University of Religions and Religions, Iran (Corresponding Author), khaliqy2015@gmail.com

** Assistant Professor and Member of the Faculty of Law, Al-Mustafa University, Kabul, Afghanistan, asif1354@gmail.com

Date received: 27/03/2021, Date of acceptance: 16/07/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

lack of peace in the interviewees' experience indicated affirmative action challenges to this strategy.

Keywords: lived experience, female representatives, positive action strategy, Afghanistan.

تجربه زیسته نمایندگان زن از راهبرد اقدام مثبت در افغانستان (مطالعه پدیدارشناختی)

محمد حسین خالقی*

محمد آصف محسنی**

چکیده

بعد از اجلاس بن در آلمان سال ۲۰۰۱ و به دنبال آن تصویب قانون اساسی جدید افغانستان سال ۱۳۸۲ و قانون انتخابات در سال ۱۳۸۳ راهبرد اقدام مثبت با سازوکار مشخص و نظام مند در جهت بهبود وضعیت زنان در مشارکت سیاسی - اجتماعی وارد ادبیات حقوقی افغانستان شد. باگذشت زمان قابل توجه از اجرای راهبرد اقدام مثبت حیات پرفرازونشیب زنان در افغانستان اقتضا می کرد تا در این تحقیق کیفی راهبرد فوق از منظر تجربه زیسته نمایندگان زن مورد بازنمایی و روایت قرار گیرد. در این راستا با شیوهی پدیدار شناسی، از طریق «مصاحبه نیمه ساختاریافته» با ۱۵ تن از نمایندگان زن به صورت حضوری گردآوری داده ها انجام یافته و کدگذاری گردید. بر اساس یافته ها تسهیل در رقابت با مردان، ایجاد فرصت برای زنان، بهره‌وری از تنوع جنسیتی، انعطاف پذیری در سیاست گذاری دولت برای زنان از جمله مقوله‌هایند که از اقدام مثبت حاصل شده است و بر نیاز زنان به راهبرد اقدام مثبت دلالت دارد. همچنین نتایج نشان داد که سیاست اجرایی اقدام مثبت در رشد توانایی و قابلیت زنان مهم دانسته می شود زیرا ظهور توانایی، کسب مهارت و تجربه، مکمل شایسته سالاری، از جمله مقوله‌هایند که از تجربه نمایندگان زن

* دانشجوی دکتری مطالعات زنان، دانشکده زن و خانواده، دانشگاه ادیان و مذاهب قم، ایران
(نویسنده مسئول)، khaliqy2015@gmail.com

** استادیار گروه حقوق، دانشگاه المصطفی، کابل، افغانستان، asif1354@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۵

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

استخراج شد. مهم چگونگی اجرای این راهبرد است؛ بر اساس یافته‌ها دسترسی نابرابر، سرزنش، احساس حقارت، فرهنگ مردسالاری، سوءاستفاده و نبود صلح در تجربه‌ی مصاحبه‌شوندگان حکایت از چالش‌های راهبرد اقدام مثبت داشت.

کلیدواژه‌ها: تجربه زیسته، نمایندگان زن، راهبرد اقدام مثبت، کشور افغانستان.

۱. مقدمه و بیان مسئله

با توجه به اینکه بسیاری از سیاست‌های آزدسازی فرصت‌ها برای فعالیت زنان به مشارکت بیش‌تر زنان در فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی نینجامید، سیاست‌گذاران به فکر افتاده‌اند که اقداماتی را برای افزایش فعالیت زنان فراتر از برابری اجرا کنند. طرفداران اعمال اقدام مثبت (تبعیض مثبت)، با تأکید بر خاستگاه‌ها و زمینه‌های نابرابر افراد، برخورد برابر با این‌گونه افراد را عین نابرابری تلقی کرده و بر این اساس، اتخاذ رویکرد حمایتی و اعطای امتیازات ویژه به گروه‌های خاص اجتماعی را شرط تحقق عدالت و برابری حقیقی می‌پندارند. سازوکار اقدام مثبت به‌گونه‌ای است که برای جبران وضعیت‌های پیشین اجتماعی و تاریخی و حاصل از تبعیض‌های گوناگون اجتماعی (اعمال‌شده اغلب علیه گروه‌های اقلیت، زنان، قومیت‌ها و یا رنگین‌پوستان) ابداع شده است. در شرایطی که برابری به حضور اجتماعی گروه‌های به حاشیه رانده شده کمکی نمی‌کند، راهبرد اقدام مثبت به مجموعه‌ای از ساختارها، چارچوب‌ها و دستورالعمل‌های قانونی و آشکال اجرایی و عملی آن‌ها اطلاق می‌شود که می‌توانند به‌طور موقت و یا در دوره‌های خاص به کار گرفته شوند تا یک گروه اجتماعی، سیاسی، دینی، جنسیتی و ... خاص را از موقعیتی نامطلوب نسبت به کل جامعه خارج کرده و به‌صورت شتاب‌یافته امکان رشد و شکوفایی بیشتر به آن گروه بدهند. این سازوکار جهت جبران بی‌عدالتی‌های گذشته و ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان نیز به کار گرفته می‌شود.

اقدام مثبت ریشه در اعتراضات مدنی سیاهان آمریکا از دهه ۱۹۶۰ دارد. این مفهوم از سال ۱۹۶۱ وارد نظام حقوقی بین‌المللی نیز شده است. مقاله‌نامه‌های بین‌المللی شماره ۴، ۴۱ و ۸۹ ممنوعیت کار در شب برای زنان، بنده ۱ ماده ۴ کنوانسیون کلیه آشکال تبعیض علیه زنان که افغانستان نیز به این کنوانسیون ملحق شده است و بر اتخاذ تدابیر ویژه موقتی

یا اقدام مثبت توسط دولت‌های عضو که هدف آن تسریع مساوات بین مردان و زنان و ایجاد فرصت‌های برابر در بهره‌مندی از مواهب اجتماعی تأکید شده است.

به علت تبعیض و نابرابری که ناشی از نظام سیاسی گذشته و فرهنگ مردسالار که در افغانستان سراسر از زن‌ستیزی و نابرابری جنسیتی حکایت می‌کند و درمان ستم‌های رفته بر زنان و جهت ایجاد فرصت‌های برابر در برخورداری از سرمایه‌های اجتماعی، در حقوق موضوعه افغانستان نیز اقدامات متعددی جهت ارائه امتیازات و ایجاد فرصت‌های ویژه برای زنان در عرصه مشارکت و فعالیت سیاسی - اجتماعی لحاظ است. از مصادیق آن می‌توان به سهمیه‌بندی در مشارکت سیاسی اشاره کرد و در قانون اساسی افغانستان ایجاد امکانات و فرصت‌های ویژه نسبت به زنان مورد تأکید قرار گرفته است: ماده ۸۳ قانون اساسی درخصوص کاندیدای زن در ولسی جرگه (مجلس) چنین حکم می‌کند: «در قانون انتخابات باید تدابیری اتخاذ گردد که نظام انتخاباتی نمایندگی عمومی و عادلانه را برای تمام مردم کشور تأمین نماید و به تناسب نفوس از هر ولایت طور اواسط حداقل دو وکیل زن در ولسی جرگه عضویت یابد.» ماده ۸۴ قانون اساسی رئیس‌جمهور را موظف ساخته است تا از جمله‌ی یک ثلث اعضای مشرانو جرگه (خبرگان) که انتصاب آن‌ها از صلاحیت رئیس‌جمهور است، ۵۰٪ آن‌ها را از میان زنان برگزیند. در مورد اعضای شورای ولایتی (شورای شهر) در بند ۳ ماده ۳۱ قانون انتخابات به اساس سیاست اقدام مثبت دو کرسی به کاندیدای زن تخصیص یافته‌اند و باقی‌مانده به شیوه رقابت آزاد و صرف نظر از جنسیتشان با اخذ بیش‌ترین آراء انتخاب می‌شود. با این توضیحات راهبرد اقدام مثبت و اتخاذ سیاست ترجیحی در راستای مشارکت سیاسی زنان در افغانستان پذیرفته و شناسایی شده است. این‌که چگونه راهبرد اقدام مثبت در زندگی فردی و اجتماعی نمایندگان زن به تجربه درآمده است در این تحقیق به آن پرداخته می‌شود.

بر اساس اقدام مثبت دولت افغانستان خواهان دخالت در برقراری عدالت توزیعی با در نظر گرفتن تفاوت‌ها است. دیدگاه‌های متفاوتی درباره کیفیت سیاست اقدام مثبت مطرح شده است که در مجموع به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول آن دسته از اندیشمندان‌اند که استدلالشان معطوف به ستم و نابرابری‌های گذشته است که از طریق سازوکار اقدام مثبت ستم‌های گذشته را قابل جبران می‌داند و گروه دوم افراد اندکی هستند که به تبعیض آمیز بودن و آسیب‌رساندن راهبرد اقدام مثبت به بی‌گناه یا افراد که در ایجاد نابرابری

و تبعیض علیه گروهی مورد هدف سیاست اقدام مثبت هیچ نقش در گذشته نداشته‌اند. از این رو با توجه به اهمیت مسائل زنان در افغانستان در این پژوهش کیفی با رویکرد پدیدارشناسی مطالعه‌ای دقیق و درک مستقیم و بی‌واسطه از تجارب زیسته زنان نماینده در شورای ملی (مجلس و خبرگان) و شورای ولایتی (شهر) نسبت به راهبرد اقدام مثبت ارائه می‌شود. در این مطالعه می‌خواهم از وجه اشتراک تجربه زیسته زنان نماینده به صورت یک کل و درک معنای که آن‌ها از اقدام مثبت دارند به یک نتایج مشخص دست‌یابم. از سوی دیگر برآیند تحقیق حاضر، علاوه بر کسب شناخت تجربه زیسته نمایندگان زن، پیشنهادهای کاربردی مبتنی بر شواهد و مطالعه انجام‌شده برای مداخله و مواجهه با سیاست اقدام مثبت را برای جامعه علمی و سیاست‌گذاران این راهبرد نیز فراهم خواهد کرد. در این پژوهش از روش پدیدارشناسی و تکنیک تحلیل تماتیک استفاده می‌شود و فنون گردآوری داده‌ها برای این پژوهش عمدتاً مصاحبه عمیق به شیوه نیمه ساخت‌یافته، مشاهده مشارکتی، رویه‌های خاص آن مانند همدلی و درون‌نگری هستند. در نهایت این تحقیق تلاشی برای پاسخ به این سؤال اصلی است: در تجربه زیسته نمایندگان زن از اقدام مثبت چه چیز تجربه شده است و آن‌ها این راهبرد را چگونه تجربه و درک کرده‌اند؟

۲. مفهوم حقوقی اقدام مثبت

هدف اقدام مثبت کمک به ایجاد تعادل میان اقلیت‌ها و گروه‌های محروم در برابر اکثریت جامعه است. هرچند اقدام مثبت که در ظاهر مفهومی کنایه‌آمیز و حتی متناقض با عدالت و برابری به نظر می‌رسد چراکه این راهبرد به دنبال قائل شدن اولویت برای اقلیت‌ها و گروه‌های فرودست در مقابل ستمگری اکثریت (Despotism of the Majority) است. از آن‌جا که اقلیت‌های، جنسیتی، قومی، مذهبی و زبانی در طول تاریخ از تبعیض و بی‌عدالتی اکثریت بالادست و قدرتمند رنج برده‌اند؛ این سؤال مطرح می‌شود که آیا نمی‌توان در جبران آن‌چه بر اقلیت‌ها رفته است و می‌گذرد؛ با آنان بر پایه اقدام مثبت رفتار کرد؟ آیا اعمال سیاست اقدام مثبت برای اقلیت‌های محروم، در برابر سلطه دامن‌گستر اکثریت، کاری غیرمنصفانه محسوب می‌شود (توسلی، ۱۳۸۶: ۳، ۲۹۶) این راهبرد می‌تواند بدبینی و انگیزه‌های تخریبی و ویرانگر ناشی از تبعیض، نابرابری و حاشیه‌نشینی را از اقلیت‌ها دور سازد. اگر اقدام مثبت با یک مکانیسم درست اعمال شود؛ علی‌رغم رضایت اقلیت‌ها

بلکه زمینه‌های مناسب در جهت تعادل و همبستگی میان اقشار مختلف جامعه، با پذیرش اکثریت نیز در پی خواهد داشت. چراکه نارضایتی اقلیت‌ها از سیاست‌های تبعیض‌آمیز، یک‌طرفه و نابرابر، واکنش‌های افراطی و ویرانگری به همراه خواهد داشت که عواقب آن برای اکثریت نیز قابل تحمل نخواهد بود (همان: ۹۶-۹۷). بر این اساس اقدام مثبت به طرزعمل ویژه و اقدامات ترجیحی کوتاه‌مدت اطلاق می‌گردد که باعث خاتمه دادن به رویه عملی رفتار تبعیض‌آمیز می‌شود تا فرصت برابر برای همه گروه‌های اقلیت و محروم به‌طور برابر گسترش یابد و عدم بازگشت تبعیض‌های گذشته تضمین گردد.

۳. چهارچوب مفهومی تحقیق

در این تحقیق با رجوع به رویکردهای گوناگون به‌نظر می‌رسد نظریه‌ای که به تنهای بتواند به‌صورت کافی و همه‌جانبه دلایل سیاست اجرایی اقدام مثبت را برای اقلیت‌ها و زنان که در اقلیت فرهنگی و نابرابری قرار دارند توضیح دهد یافت نشد لذا از مباحث نظری موجود که توانایی‌های نسبی همدیگر را کامل کنند و توانایی تبیین مدل مفهومی پژوهش را افزایش دهند باهم ترکیب شدند. در پژوهش حاضر سعی شده که از چند نظریه در جهت تحلیل رابطه بین سیاست اقدام مثبت و چگونگی تجربه‌ای نمایندگان زن از این راهبرد به‌صورت تلفیقی به شرح زیر استفاده شود.

۱.۳. فمینیسم تفاوت‌گرا (مارگرت سنگر و جین آدامز)

دیدگاه فمینیسم تفاوت‌گرا در مقابل فمینیسم لیبرال سستی قرار می‌گیرد، فمینیسم لیبرال به‌رغم اینکه گفتمان غالب موج اول فمینیسم را تشکیل می‌دهد در سایر موج‌ها هم دیده می‌شود که شناخته‌شده‌ترین و گسترده‌ترین اندیشه‌ی فمینیستی به‌حساب می‌آید از نظر فمینیست‌های لیبرال نظام جنسیتی مطلوب نظامی است که زن و مرد در تمام عرصه‌ها و شرایط برابر دانسته شود (رودگر، ۱۳۹۴: ۶۹). در این خصوص فمینیسم تفاوت‌گرا سؤالی را مطرح می‌کند: اعتقاد به برابری کامل میان زنان و مردان و ایجاد رقابت برابر در همه عرصه‌ها چگونه ممکن است؟ آن‌هم در شرایطی که زنان نقش ویژه‌ای در تولیدمثل دارند و مدتی بعد از بارداری قوای بدنی و روحی ضعیف‌تری دارند؟ (علاسوند، ۱۳۹۷: ۴۲۲)

فمینیسم تفاوت‌گرا علت تمایز میان زنان با مردان را گاه یک امر ذاتی می‌داند و گاهی هم تفاوت را در نوع جامعه‌پذیری زنان می‌داند. از نظر فمینیسم تفاوت‌گرا، تفاوت و نیازهای خاص زنان اقتضا می‌کنند نباید برفرض تساوی وارد رقابت برای به دست آوردن کارهای مردانه شوند نخست زنان از اقدامات مثبت و منابع لازم بهره‌مند شوند و بعد به برابری دست می‌یابند (مشیرزاده، ۱۳۹۷: ۱۶۳). در این بخش اصلی‌ترین عواملی که در راستایی سیاست اجرایی اقدام مثبت برای زنان در ارتباط بود شناسی شد که عبارتند از: نیاز زنان به اقدامات مثبت به دلیل تفاوت‌های زیستی که با مردان دارند و نیاز زنان به اقدامات ویژه در نحوه سیاست‌گذاری دولتی که به دلیل نابرابری‌های که ریشه در عوامل اجتماعی دارند و زنان را بیش‌تر آسیب‌پذیر می‌سازد.

۲.۳ فمینیسم لیبرال معاصر (پت شرودر و پتسی مینک)

فمینیسم لیبرال معاصر بر این باور است که دولت‌ها باید برای از بین بردن آپارتاید جنسیتی دست‌به‌کار شوند به‌ویژه هنگامی که کوتاهی به نابرابری شدید جنسیتی منجر می‌شود. زنان واجد شرایط به‌طور موقت در استخدام به اساس اقدام مثبت انتخاب شوند این سیاست تا زمانی مشروعیت دارد که زنان به برابری واقعی با مردان نائل شوند (تانگ، ۱۳۹۶: ۵۴-۵۷). در این قسمت نیز نیاز زنان به اقدامات مثبت در جهت جلوگیری از آپارتاید جنسیتی در فعالیت‌های اجتماعی و اجرایی اقدامات ترجیحی موقت برای زنان تا رسیدن به برابری جنسیتی شناسایی شد.

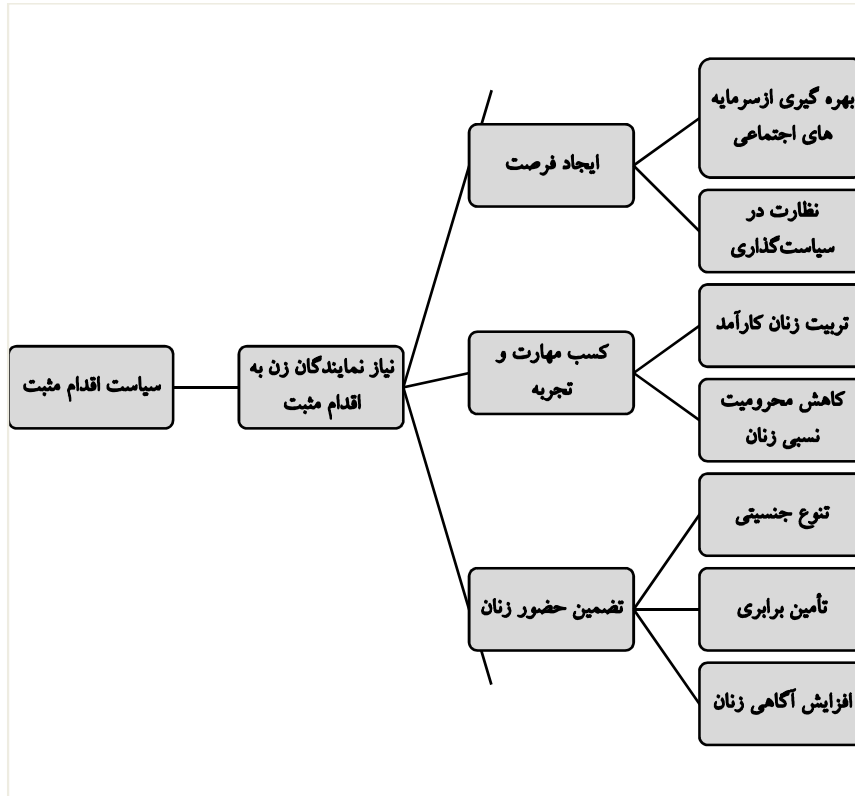
۳.۳ جان رالز

رالز بر اساس اصل تمایز خود معتقد است که این نابرابری‌ها در صورت مجاز و عادلانه است که به حال افراد ضعیف و کمتر بهره‌مند جامعه مفید و از مجرای این نابرابری مزایا و سودی عاید افراد و گروه‌های محروم شود (رالز، ۱۳۹۳: ۳۳). در بند دوم اصل تمایز رالز چنین آمده است: شرایط برابری منصفانه فرصت‌ها در جهت دسترسی به مناصب و موقعیت‌ها به روی همه گشوده باشد (واعظی، ۱۳۹۳: ۲۷۸). بنابراین از اصل تمایز وی می‌توان چنین استنباط کرد که در راستای تحقق اصل تمایز، سیاست اجرایی اقدام مثبت از

توجیه کافی برخوردار است؛ چون سیاست اقدام مثبت نیز با استفاده از اقدامات ترجیحی و اختصاص امتیازات ویژه برای گروه‌های فرودست اجتماع باهدف بازگرداندن موقعیت ازدست‌رفته و ایجاد برابری منصفانه فرصت‌ها برای آن‌ها اعمال می‌شوند. در این قسمت ایجاد فرصت برابر برای زنان با اتخاذ اقدام مثبت در جهت بهره‌مندی از سرمایه‌های اجتماعی مثل آموزش، اشتغال، رفاه اجتماعی، خدمات بهداشتی، مشارکت سیاسی قابل استنباط است.

۴.۳ توماس کوهن

کوهن به سازمان‌ها توصیه می‌کند که در سبک مدیریتی‌شان تجدیدنظر کنند و برای مدیریت افراد رویکردی تازه و خلاق به کار ببرند تا از شکار بهترین استعدادها بازمانند در واقع اقدام مثبت یک دخالت هدفمند در مدیریت منابع انسانی سازمان‌هاست که به آن‌ها شانس اصلاح بی‌عدالتی و تبعیضاتی که بر اقلیت‌ها رفته می‌دهد. همین‌طور سیاست اقدام مثبت فرصت‌های بسیاری را برای زنان و اقلیت‌ها در راستای بهبود شرایط آنان در سازمان‌ها ایجاد می‌کند (فریبرز، لقمانی، ۱۳۹۲: ۳). در این قسمت ایجاد تنوع جنسیتی و کسب مهارت در سازمان‌ها، سبک‌های مدیریتی و نهادهای سیاسی با استفاده از سازوکار اقدام مثبت برای زنان شناسایی شده است.



شکل ۱.۳. مدل مفهومی پژوهش

۴. روش پژوهش

این تحقیق کیفی با روش پدیدار شناسی درصدد است تجربه زیسته نمایندگان زن را نسبت به راهبرد اقدام مثبت در افغانستان، بررسی نموده و تجربه زیسته آنان را ارزیابی و تحلیل کند. پدیدار شناسی به منزله روش در جستجوی معانی و جوهره‌های تجارب افراد هستند و واقعیت‌ها را در روایت افراد از تجربیات زیسته‌ی شان دنبال می‌کند یعنی همان‌طوری که افراد آن پدیده را تجربه کرده‌اند پدیدار شناسی از درون به آن پدیده نگاه می‌کند (بودلایی، ۱۳۹۸: ۳۸ - ۴۵). ازاین جهت هر آن چیز را ما می‌توانیم بدانیم، باید اول خود را در عرصه آگاهی نشان دهد. در رویکرد پدیدار شناختی کاوش در این باره است که انسان‌ها چگونه به تجربه‌های خود معنا بخشیده و آن معناهای مشترک را هم

به طور فردی و هم به شکل جمعی به آگاهی تبدیل می‌کنند (محمدپور، ۱۳۹۷: ۳۵۹). شارح اصلی این روش ادموند هوسرل (۱۹۳۸-۱۸۵۹) بود که تلاش داشت به نقد روش‌های پوزیتیویستی بپردازد از نظر او جهان نه اثبات می‌شود و نه انکار بلکه آن‌چنان‌که مشاهده می‌شود، از طریق «تجربه محض» شناسایی می‌شود (زهاوی، ۱۳۹۲: ۴۸-۱۰۰). با این وجود برای درک ذات پدیده‌های اجتماعی و ارائه آگاهی از قضایایی انسانی لازم است تجربه‌ی دسته اول افراد از طریق تفسیر خود آنان مورد کاوش و تحلیل قرار گیرد یعنی هدف پدیدار شناسی بازگشت به بطن است، با این شعار که به خود چیزها برگردید. لذا در این پژوهش نیز تلاش می‌شود برای فهم بخشی از کارکرد راهبرد اقدام مثبت تجربه زیسته نمایندگان زن بی‌واسطه و از طریق تفسیر خود آنان مورد کاوش و تحلیل قرار گیرد. طبق اصول روش پدیدار شناسی در این نوع تحقیقات از جامعه پژوهش هدفمند و از قبل تعیین شده استفاده می‌شود و شرط انتخاب این نمونه داشتن تجربه‌ی زیسته مشترک از موضوع مورد مطالعه است و ابزار اصلی این روش در کسب اطلاعات و توصیف تجربیات صاحبان تجربه عموماً مصاحبه نیمه ساخت یافته است که در این تحقیق نیز لحاظ می‌شود (ذکایی، ۱۳۹۹: ۱۹۱). داده‌ها و مضامین استخراج شده از دل مصاحبه‌ها با تکنیک تماتیک طبق شرح زیر کدگذاری و تحلیل می‌شود.

۱.۴ تکنیک تماتیک

تکنیک تماتیک در قالب طبقه‌بندی، شاخص بندی و سنخ بندی داده‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است در این پژوهش نیز از تکنیک تماتیک برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و کدهای استخراج شده از دل مصاحبه‌ها استفاده می‌شود. تحلیل تماتیک عبارت است از عمل کدگذاری و تحلیل داده‌ها با این هدف که داده‌ها چه می‌گویند و داده‌های مورد تحلیل در روش تماتیک شامل داده‌های متنی، مصاحبه‌ها و داده‌های مشاهده‌ای متنی شده هستند (احمد پور، ۱۳۹۷: ۳۸۸-۳۹۱). در تحلیل تماتیک شیوه‌های مختلف و متفاوت دیده می‌شود که در این پژوهش از شیوه استربرگ در کدگذاری و تحلیل داده‌ها در فرآیند این تحقیق در چهار مرحله به صورت زیر استفاده شده است (همان، ۳۹۲):

۱. مدیریت داده‌ها: در این مرحله اطلاعات گرد آوری شده مشارکت کنندگان تنظیم و سازمان دهی شد بر اساس یک نظم زمانی، نوع سند و فهرست تم‌ها در کتابچه.

۲. درگیری با داده‌ها: در این مرحله تلاش شد مقدمات تحلیل و سنخ‌شناسی اطلاعات موجود با انجام مراحل کدگذاری طوری ذیل فراهم شود:

الف کدگذاری باز: در این مرحله مفهوم بندی و مقوله‌بندی تکه‌های از داده‌ها به وسیله نام، عنوان یا برچسب‌هایی که به‌طور هم‌زمان هر قطعه از داده‌ها را در خصوص تجربه نمایندگان زن تخلص و تشریح می‌کند انجام شد همچنان از شرح‌واره‌ها نیز استفاده شده است. شرح‌واره (یادداشت‌های مکتوب از کدها یا مفاهیم، مقوله‌ها و تحلیل‌ها به عبارت دیگر شرح‌واره یک گام میانین بین گردآوری داده‌ها و نوشتن متن اولیه گزارش تحقیق است.) در همه مراحل تحلیل از کدبندی باز تا متمرکز در این تحقیق کمک می‌کند تا اندیشه‌ها و تصمیم‌ها در زمینه تحلیل نهایی انجام شود.

ب توسعه تم‌ها: این مرحله شامل مجموعه‌ای از کدهای تکراری هستند که در جریان کدبندی باز شناسایی شد.

۳. کدبندی متمرکز: این بار معنادارترین یا فراوان‌ترین کدها در خصوص تجربه زنان نماینده که در کدگذاری باز غربال شده است مورد تمرکز قرار گرفته است.

الف الگو یابی (به ترکیب هر مشخصه محتوایی با یک بعد خاص گفته می‌شود): در این بخش بعد از کدبندی متمرکز الگوهای که از داده‌ها ظاهر شد دنبال می‌شود.

ب. مقایسه الگوها با یکدیگر: با بررسی تشابهات و تفاوت‌های بین انواع الگوها و رویدادها فرآیند پالایش شده کدگذاری صورت گرفته است.

۴. خوشه‌بندی: این مرحله آخرین گام تحلیل داده‌های این پژوهش است که رویدادها یا الگوها را دسته‌بندی و برحسب تفاوت‌ها و شباهت‌ها از تجربه زنان نماینده مقوله‌بندی صورت گرفته است.

تجربه زیسته نمایندگان زن ... (محمدحسین خالقی و محمدآصف محسنی) ۱۲۵

جدول ۱.۴. اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان بدون نام با کدگذاری ارائه گردیده است.

مشخصات							کد مصاحبه‌شوندگان
تاریخ	سن	وضعیت تأهل	سمت شغلی گذشته	سمت شغلی	رشته تحصیلی	درجه تحصیلات	
۹۹/۱۰/۱	۲۹	متأهل	رئیس جندر در مؤسسه خارجی	دوره اول وکالت	حقوق مدنی	ارشد	۱
۹۹/۱۰/۹	۳۲	مجرد	کمیشنر در اداره دولتی	دوره اول وکالت	حقوق بشر	ارشد	۲
۹۹/۱۱/۱۲	۳۸	مجرد	کارشناس در فرآیند ملی صلح	دوره اول وکالت	جامعه‌شناسی	کارشناسی	۳
۹۹/۹/۱۷	۳۹	متأهل	پزشک و کارشناس در جامعه مدنی	دوره دوم وکالت	امنیت و صلح	ارشد	۴
۹۹/۱۰/۴	۳۵	متأهل	معاون پالسی	دوره اول وکالت	سیاست‌گذاری	ارشد	۵
۹۹/۱۰/۲۰	۳۲	مجرد	معاون اتاق تجارت زنان	دوره دوم وکالت	زراعت	ارشد	۶
۹۹/۱۰/۲۳	۴۳	متأهل	.	دوره دوم وکالت	جامعه‌شناسی	کارشناسی	۷
۹۹/۱۰/۳	۳۱	متأهل	کارشناس جندر	دوره اول وکالت	حقوق مدنی	کارشناسی	۸
۹۹/۱۰/۷	۴۸	متأهل	دو دوره وکالت	کارشناس در امور دیاسپورا معاونت اول ریاست‌جمهوری	ادبیات دری	کارشناسی	۹
۹۹/۱۰/۷	۴۵	متأهل	دو دوره وکالت	رئیس در امور دیاسپورا معاونت اول ریاست‌جمهوری	روابط بین‌الملل	ارشد	۱۰
۹۹/۱۰/۱۸	۳۲	مجرد	استاد دانشگاه	دوره اول وکالت	زراعت	ارشد	۱۱
۹۹/۱۱/۱۴	۳۷	مجرد	کارشناس در جامعه مدنی	دوره دوم وکالت	جامعه‌شناسی	کارشناسی	۱۲
۹۹/۱۰/۲۸	۳۴	مجرد	.	دوره سوم وکالت	روابط بین‌الملل	کارشناسی	۱۳

۹۹/۱۲/۸	۳۵	متاهل	کارشناس ظرفیت‌سازی زنان	دوره اول وکالت	حقوق مدنی	ارشد	۱۴
۹۹/۱۰/۱۵	۴۱	متاهل	استاد دانشگاه	دوره دوم وکالت	اداره و مدیریت	ارشد	۱۵

۵. یافته‌های پژوهش

پس از مطالعه اولیه متن پیاده شده از مصاحبه‌ها، کدگذاری برای سنخ‌شناسی و خوشه‌بندی تم‌ها آغاز گردید در خوشه‌بندی یافته‌ها، سعی بر این شد برای جلوگیری از انباشت داده‌ها هرکد که دارای تعریفی مشخص و متمایز از دیگر کدها باشد طوری که کدها قابلیت جایگزینی یکدیگر را نداشته باشند طرح شوند و واحدهای معنادار بر اساس انتزاع تجارب مشارکت‌کنندگان در سه مقوله کلی: نیاز زنان به اقدام مثبت، رشد توانایی و قابلیت‌های زنان و چالش‌های راهبرد اقدام مثبت دسته‌بندی شده است و در ادامه به تحلیل هرکدام از مقوله‌ها با زیر مقولات با توجه به تجربه مشارکت‌کنندگان پرداخته می‌شود.

۱.۵ نیاز زنان به اقدام مثبت

بر اساس تحلیل انجام‌شده از کدگذاری باز و استخراج گزاره‌های مهم معنا بخش از تجربه زنان نماینده در خصوص «نیاز زنان به اقدام مثبت» چهار مقوله: تسهیل در رقابت، ایجاد فرصت برای زنان، بهره‌وری از تنوع جنسیتی، انعطاف‌پذیری در سیاست‌گذاری از دید آن‌ها دسته‌بندی شده است. مقولات مربوط به نیاز زنان به اقدام مثبت در جدول ۵-۱ بر اساس ویژگی‌های مقولات به صورت سلسله‌مراتب خوشه‌بندی شده است و در ادامه نمونه‌های از صحبت زنان نماینده بیان شده است.

جدول ۱.۵. مقولات مربوط به نیاز زنان به اقدام مثبت

شماره	مقوله	زیر مقوله
۱	تسهیل در رقابت با مردان	تسهیل رقابت در مشارکت سیاسی برای زنان
		تضمین حضور زنان در عرصه عمومی در جامعه مردسالار و سنتی افغانستان
		دشواری رقابت برابرزنان با مردان در شرایط نابرابر و جامعه مردسالار
۲	ایجاد فرصت برای زنان	ایجاد فرصت برای زنان در جامعه مردسالار و پس از جنگ
		ایجاد فرصت در راستای رسیدن به برابری
۳	بهره‌وری از تنوع جنسیتی	جلوگیری از دید تک جنسیتی در سیاست‌گذاری
		بهره‌گیری از ظرفیت و قابلیت زنان
۴	انعطاف‌پذیری در قوانین	حضور زنان در مجلس و انعطاف‌پذیری در قوانین برای زنان

۱.۱.۵ تسهیل در رقابت با مردان

نمایندگان زن، راهبرد اقدام مثبت در قانون اساسی و قانون انتخابات را برای زنان در جهت مشارکت سیاسی یک سازوکار تسهیل‌کننده در فرآیند انتخابات و رقابت با مردان دانسته‌اند. به باور این گروه، رقابت آزادانه با مردان در مشارکت سیاسی و فعالیت‌های اجتماعی باتوجه به شرایط سیاسی و فرهنگی حاکم بعد از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ بسیار دشوار بودند اما با اجرای راهبرد اقدام مثبت برای کاندیدان زن، فارغ از سایر مسائل سیاسی از چالش‌های رقابت با مردان کاسته شد و رقابت بیشتر بین زنان شکل گرفتند که رقابت بین زنان در مقایسه با مردان دشواری و چالش‌های خود را ندارد. باین‌وجود زنان پی بردن با پذیرش ریسک کم‌تر می‌تواند وارد سازوکار سیاست شوند. از این لحاظ راهبرد اقدام مثبت موجب شده است که اکثریت نمایندگان زن این راهبرد را تسهیل‌کننده رقابت در مشارکت سیاسی بدانند:

اگر همین اقدام مثبت نمی‌بود هیچ‌وقت زنان باور پیدا نمی‌کرد که ما زنان هم می‌توانیم کاری انجام دهیم و در جامعه کاملاً مردسالار جرئت فعالیت در اجتماع را پیدا نمی‌کرد این یک مسئله کاملاً طبیعی است در افغانستان با این فرهنگ برجای مانده از مجاهدین و طالبان برای یک زن حتی از خانه بیرون رفتن بسیار مشکل است چه رسد به رقابت کردن با مافیایی مواد مخدر، تفنگ‌داران، با افراد احزاب و افراد از طریق استخبارات کشورهای بیگانه کمک می‌شوند، درواقع رقابت زنان با این‌ها بسیار

دشوار است. با اختصاص سهمیه برای زنان در انتخابات به این مسئله پی بردم که رقابت در این شرایط با مردان بسیار سخت است اما رقابت با زنان در مقایسه با مردان دشوار نیست (کد مصاحبه: ۱۳).

هم‌چنان می‌توان ضرورت اقدام مثبت را برای نمایندگان زن در مشارکت سیاسی ناشی از شرایط نابرابر موجود که در آن به سر می‌برد نظیر پایگاه اجتماعی، اقتصادی، ارتباطات و لابی‌گری بالای مردان که در افغانستان مردان از آن برخوردار هستند نسبت به زنان دانست. با توجه به تجربه‌ی مصاحبه‌شوندگان زنان نه به اندازه مردان در میان مردم از جایگاه جهادی برخوردار هستند و نه در تشکیلات حزبی از امتیازات که رهبران احزاب و گروه‌ها در تحولات سیاسی از آن برخوردار می‌شوند که قطعاً این جایگاه را زنان ندارند. از نظر آنان زنان در هزینه‌های انتخابات و لابی‌گری در کارزار سیاست نمی‌توانند با مردان برابری کنند:

بدون شک این سیاست اقدام مثبت در انگیزه من برای کاندید شدن تأثیر داشت چون در انتخابات تمکن مالی بسیار مهم است، پایگاه اجتماعی اهمیت دارد، لابی‌گری اهمیت دارد، در افغانستان حتماً مرد بودن اهمیت دارد. من مهاجری بودم که تازه از ایران آمده بودم نه پول داشتیم، نه قدرت اجتماعی و نه حزب چون احزاب در افغانستان از مردها حمایت می‌کند و نه لابی‌گری بالای مردان را داشتیم و نه کدام مجاهد و متنفذ بودم و از طرفی مرد هم نبودم. تنها عامل که باعث شد کاندید کنم با این‌که به کار سیاسی هم علاقه داشتم همین راهبرد اقدام مثبت و مشکلات مردم به‌خصوص زنان بود (کد مصاحبه: ۴).

۲.۱.۵ ایجاد فرصت برای زنان

یکی از مسائل مهم زنان عدم دسترسی برابر و تأمین فرصت یکسان به امکانات است که این خود باعث تشدید شکاف جنسیتی می‌شود. زنان به دلیل جنسیت شان و شرایط فرهنگی و سیاسی حاکم در افغانستان، از فرصت‌های سیاسی و اجتماعی محروم شده بودند که نمایندگان به آن اشاره کرده‌اند. در نخست می‌توان گفت با اجرای راهبرد اقدام مثبت زمینه حضور در اجتماع برای زنان فراهم شد با این‌که زنان در دوران جنگ و پس‌از آن در نبود صلح پایدار در چند دهه اخیر بیشترین آسیب را دیده‌اند. در هم‌چنین شرایطی جنگی توأم با مردسالاری و زن‌ستیزی با اجرای سیاست اقدام مثبت زمینه حضور برای زنان در سیاست و فعالیت‌های اجتماعی مهیا شد. آنان راهبرد اقدام مثبت را در تأمین فرصت

برابر برای زنان کافی ندانسته‌اند اما اشاره می‌کند که این سیاست در رسیدن به فرصت برابر تأثیرگذار است. به عبارت دیگر سیاست اقدام مثبت نتوانسته است فرصت برابر را در عرصه عمومی برای زنان ایجاد کند اما با اجرای این سیاست فرصت‌ها در حوزه عمومی در جامعه جنگ‌زده مثل افغانستان برای زنان ایجاد شده‌اند تا زنان در درازمدت بتوانند به فرصت برابر نائل شوند. از تجربه مصاحبه‌شوندگان این موضوع را نیز می‌توان درک کرد؛ در جامعه‌ی جنگ‌زده و سستی برای بهبود وضعیت زنان ایجاد یک فرصت اجباری مهم‌اند چراکه محرومیت و فرهنگ مردسالاری را که زنان در گذشته تجربه کرده بود ادامه می‌یافت:

اگر سیاست اقدام مثبت نبود، بدون شک زنان از عرصه سیاست و اجتماع در شرایط فعلی و در شرایطی که جامعه افغانستان از فضای جنگ‌زده و دوره حاکمیت طالبان به صحنه جدید گام نهاده بود حذف می‌گردید و فرصتی در جهت فعالیت و نقش‌آفرینی زنان فراهم نمی‌شد؛ محرومیت گذشته زنان و فرهنگ مردسالاری دوام‌دار ادامه می‌یافت و زنان مثل دوران جنگ بیشتر از همه منزوی و گوشه‌نشین می‌شد؛ یعنی سیاست اقدام مثبت باعث شد از محرومیت زنان به‌طور نسبی کاسته شود و باعث خلق فرصت‌ها شود و همین‌طور زنان را علی‌رغم تحدیدهای گروه‌های افراطی از حاشیه به بطن اجتماع آورد هرچند برنامه اقدام مثبت در تأمین فرصت برابر کافی نبوده اما برای رسیدن به برابری تأثیرگذار است (کد مصاحبه: ۸).

۳.۱.۵ بهره‌وری از تنوع جنسیتی

از نظر غالب نمایندگان یکی از چالش‌های جدی برای زنان را می‌توان باور نداشتن به استعداد زنان یا غفلت جامعه از استعداد زنان و نادیده گرفتن آن‌ها را می‌توان ذکر کرد. نظر به تجربه آن‌ها اقدام مثبت گامی بود به حضور زنان در عرصه عمومی انجامید و درعین حال افراد جامعه نیز به کارکرد و فعالیت زنان آگاه می‌شود چراکه هنوز زنان در جامعه افغانستان یک جنس دوم به نظر می‌رسد و هویت زنان در جامعه به‌خصوص برای مردان پذیرفته نشده‌اند. از سوی دیگر به دلیل نداشتن استقلال زنان استعداد آن‌ها نیز از دید جامعه پنهان و مورد غفلت قرار گرفته است. برای بهبود این وضعیت راهبرد اقدام مثبت را نمایندگان تأثیرگذار دانسته‌اند:

فکر می‌کنم اقدام مثبت باعث شد زنان در عرصه عمومی گام بگذارد. اقدام مثبت گامی است که زنان بیشتر تشویق می‌شود درعین حال جامعه نیز وادار می‌شود واقعیت

که در جامعه وجود دارد بپذیرد یعنی هویت زنان را بپذیرد چون هنوز در افغانستان زن یک جنس دوم است و جود و هویت واقعی زن برای مردان پذیرفته نشده است. زنان تا هنوز هیچ استقلال نداشته است و قابلیت و توانایی‌های شان نادیده گرفته شده است می‌توانیم بگویم که اقدام مثبت راهبردی است تا جامعه وجود زنان و هویت پنهان زنان را بپذیرد (کد مصاحبه: ۲).

از نظر مصاحبه‌شوندگان با اجرای راهبرد اقدام مثبت حضور قابل‌توجهی نماینده زن در مجلس و شورای شهر، تنوع جنسیتی را در پی داشت این خود سبب شد که زمینه‌ی اثربخشی برنامه‌های توسعه دولت را برای زنان فراهم کند و نظارت آنان از برنامه‌های توسعه دولت، باعث شد دید تک جنسیتی و همگنی مردانه کاهش پیدا کند و به دنبال آن با دقیق‌تر شدن فرایند کنترل و نظارت، زنان در شهرها توانستند از برنامه‌های انکشافی مستفید شوند و تلاش می‌شد در جریان تطبیق برنامه‌ها قابلیت زنان نیز مورد بهره‌گیری قرار گیرند. از نظر مصاحبه‌شوندگان حضور نماینده زن در کنار نماینده‌های مرد یک همکار بسیار خوب در نظارت و کنترل سیاست‌های دولت به حساب می‌آید یعنی تأثیر منفی نبود نماینده زن را بر احتمال وجود ضعف، در پلان‌گذاری و تطبیق سیاست‌های دولت دانسته‌اند؛ بنابراین از دید آنان سیاست اجرایی اقدام مثبت در بهره‌گیری از قابلیت زنان و رعایت تنوع جنسیتی اثرگذار دانسته می‌شوند:

در پالسی سازی زنان بسیار یک همکار خوب برای مردان نماینده در بخش‌های مختلف است. بدون اقدام مثبت احتمالش بود هیچ زنی نماینده انتخاب نشود و تمام برنامه‌های انکشافی دولت طبق نظر وکلای مرد وضع شود و هم از طرف وکلای مرد نظارت می‌شد بدون این‌که از طرف زنان بررسی شود و از قابلیت آن‌ها در جامعه کار گرفته شود خلاصه تلاش زنان نماینده در هر پالسی که باشد مفید واقع می‌شود تا یک سیاست دقیق و مطلوب در نظر گرفته شود که زنان هم در تطبیق آن دیده شوند (کد مصاحبه: ۱۱).

۴.۱.۵ انعطاف‌پذیری در قوانین

حضور قابل‌توجهی نمایندگان زن در شورای ملی که به آن قوه مقننه نیز گفته می‌شود از دید مصاحبه‌شوندگان باعث می‌شود تا در این عالی‌ترین ارگان تقنینی قوانین برای زنان منعطف‌تر وضع شود چون در کشوری جنگ‌زده و مردسالار مثل افغانستان

افکار غالب جامعه، حضور زن را در عرصه عمومی برنمی‌تابد بناً جهت بهبود این وضعیت زنان، یک جبر قانونی یا فشار نیاز بود تا در گفتمان غالب جامعه زنان هم دیده شوند:

زنان با حضورشان باعث می‌شود قوانین منعطف‌تر وضع شود برای زنان. در کشوری جنگ‌زده و مردسالار مثل افغانستان که حضور زنان را در عرصه عمومی اکثریت قبول نداشت شاید کلمه فشار شاید یک کلمه خوب نباشد و اقدام مثبت به‌مثابه یک فشار می‌ماند که نیاز بود تا جامعه مجبور شود زنان را بپذیرد (کد مصاحبه: ۲).

۲.۵ یافته‌های مربوط به رشد توانایی و قابلیت‌های نمایندگان زن

بر اساس تحلیل انجام‌شده رشد توانایی و قابلیت‌ها وجهی دیگری از تجربه زنان نماینده با استفاده از راهبرد اقدام مثبت است که در سه مقوله ظهور توانایی بالقوه زنان نماینده، کسب مهارت و تجربه، رسیدن به شایستگی یا مکمل شایسته‌سالاری، در جدول ۲-۵ طبق شرح ذیل آمده است و در ادامه نمونه‌های از صحبت زنان نماینده بیان‌شده است.

جدول ۲.۵. مقولات مربوط به رشد توانایی و قابلیت‌های نمایندگان زن

شماره	مقوله	زیر مقوله
۱	ظهور توانایی بالقوه	کشف توانایی زنان در امورات سیاسی - اجتماعی
		توانایی طرح سیاست‌های مؤثر برای زنان
		توانایی نظارت و بررسی از تطبیق پلان دولت در خصوص مشکلات زنان
۲	کسب مهارت و تجربه	کسب تجربه سیاسی و فعالیت‌های اجتماعی
		افزایش مهارت در امور سیاسی
۳	مکمل شایسته‌سالاری	کسب تجربه و حضور زنان در سایر پست مهم دولتی
		اقدام مثبت تکمیل‌کننده‌ی شایسته‌سالاری در جامعه نابرابر و مردسالار
		اقدام مثبت عامل شناسایی افراد شایسته از میان زنان در مشارکت سیاسی
		شناسایی و راه‌یابی زنان توانمند به سایر پست‌های دولتی
		کاهش فرهنگ مردسالاری و افزایش آگاهی زنان

۱.۲.۵ ظهور توانایی بالقوه

زنان نماینده معتقدند به صورت کلی سیاست اقدام مثبت باعث حضور و تشویق زنان در اجتماع شده است در واقع این سیاست توانسته است بستر فعالیت‌ها را در عرصه عمومی برای زنان که از این راهبرد بهره‌مند شده‌اند مهیا سازد همراه با فعالیت‌های زنان در حوزه اجتماعی - سیاسی این‌که زنان از چه توانایی و کارکرد برخوردار هستند نیز برای جامعه و به خصوص مردان آشکار می‌شود چون توانایی و قابلیت زنان تا هنوز از دید مردان پنهان مانده است و زنان همواره در شرایط نابرابر به سر می‌برند یعنی توانایی آنان سرکوب شده است چراکه در افغانستان تا هنوز در خانواده‌ها به فرزند پسر بیشتر هزینه می‌شود نسبت به فرزند دختر:

در کل اقدام مثبت سبب تشویق زنان در عرصه عمومی شده است و سبب شده است مردان به توانایی پنهان زنان پی ببرند. تا حالا هزینه در خانواده‌ها بیشتر روی فرزند پسر می‌شد چون فکر می‌کرد که دختر مال مردم است یک روزی‌ای خانواده می‌رود تازه شرایط کمی بهتر شده است (کد مصاحبه: ۱۳).

برخی از زنان نماینده این‌گونه تجربه خود را بیان کرده است که آن‌ها با استفاده از راهبرد اقدام مثبت در دوره اول توانسته‌اند خود را قناعت بدهد و انگیزه فعالیت در مشارکت سیاسی - اجتماعی پیدا کند همین‌طور بارأی مردم نماینده تعیین شوند و در این مرحله توانسته است برای مردم کار عام‌المنفعه انجام بدهد همین‌طور اولویت‌ها و مشکلات زنان را در دستور کار دولت قرار دهند و از تطبیق پروژه‌ها نظارت کند. مصاحبه‌شونده ابراز داشته است با توجه به فعالیت‌هایم در دوره اول، برای مردم در دوره دوم وکالتم وضوح دادم: در مرحله قبلی از شما خواستم بر اساس راهبرد اقدام مثبت شانس من در انتخابات بیشتر است رأی دهید اکنون اگر من را شایسته می‌دانید و توانایی نمایندگی شما را دارم به من رأی دهید او اشاره می‌کند بازهم در این مرحله رأی بالا گرفتم یکی از دلایلی را شناخت مردم از کارکرد و توانایی‌های خود می‌دانند که در دوره نخست توانسته است برای مردم نشان دهد. مصاحبه‌شونده به‌عنوان نتیجه عرض می‌کند زنان در افغانستان توانایی زیادی دارند اما ناشناخته مانده است و برای بهبود این وضعیت راهبرد اقدام مثبت باعث شده است تا توانایی و قابلیت زنان نماینده در عرصه عمومی آشکار شوند و قابلیت آن‌ها مورد استفاده قرار بگیرد:

من در ابتدا با استفاده از اقدام مثبت توانستم خودم را قناعت بدهم و کاندید کنم و از مردم رأی بگیرم و در مرحله بعدی خدمات که به مردم انجام داده بودم، مردم را در میان گذاشتم مثل اینکه کلینیک درست کرده بودم راه درست کردم و زمین مردم را از افراد غاصب گرفتم. اولویت‌های زنان را شامل برنامه دولت کردم از تطبیق پروژه‌ها نظارت می‌کردم. دور دوم برای مردم گفتم دور اول انتخابات برای شما گفتم چون شانس من اگر بیشتر است رأی دهید ولی دور دوم گفتم اگر توانایی‌شان را دارم به من رأی دهید اتفاقاً باز هم رأی بالا گرفتم. در نتیجه زنان توانایی زیادی دارند اما ناشناخته مانده است همین سیاست اقدام مثبت باعث می‌شود تا توانایی زنان ظاهر شود و مورد استفاده قرار بگیرند (کد مصاحبه: ۴).

۲.۲.۵ کسب مهارت و تجربه

زنان نماینده معتقد هستند سیاست اقدام مثبت برای زنان زمینه را مساعد می‌سازد تا آن‌ها تشویق شوند و جرئت کار در امور سیاسی - اجتماعی را پیدا می‌کند اگر زمینه فعالیت برای زنان ایجاد نشود با توجه به وضعیت افغانستان، زنان جرئت کارهای سیاسی - اجتماعی را هم نخواهد داشت؛ بنابراین با اجرای سیاست اقدام مثبت ساحت رشد برای زنان نیز مهیا می‌شوند. از نظر آنان این فرآیند به‌طوری طبیعی به کسب تجربه و آگاهی زنان تأثیر دارد:

وقت که برای زنان ارجحیت و اقدام مثبت برایش در نظر گرفته می‌شود آن‌ها تشویق می‌شود و برایشان ساحه رشد مهیا می‌شود. اگر همیشه برای زنان اجازه کار و پیشرفت داده نشود آن‌ها هیچ جرئت کرده نمی‌تواند چون می‌بیند که زمینه برایشان ساخته نشده است. ارجحیت برای خانم‌ها طبعاً باعث می‌شود که تجربه و آگاهی‌شان بیش‌تر شود (کد مصاحبه: ۶).

در خصوص سیاست اجرایی اقدام مثبت مصاحبه‌شوندگان به فرصت‌های ایجادشده از طریق این سیاست اشاره می‌کند که زنان توانسته‌اند از فرصت‌های پیش‌آمده به نفع خودشان استفاده کنند تا مهارت‌های شان بهتر شود همین‌طور در پست‌های کلیدی و بالاتر وظیفه اجرا کند. تعدادی از زنان که اکنون در بخش‌های کلان رهبری، مدیریتی و ریاست وظیفه اجرا می‌کنند همچنان در چانه‌زنی‌های سیاسی مستقلانه عمل می‌کند از دید

مصاحبه‌شوندگان بخشی از مهارت این گروهی زنان متأثر از سازوکار اقدام مثبت دانسته می‌شوند:

طبعی است اقدام مثبت باعث افزایش مهارت زنان می‌شود. چون زنان از فرصت‌های پیش‌آمده به نفع خود استفاده کرده‌اند و تبدیل شده است به زنان که اکنون یک مجموعه بسیار کلان را مدیریت و ریاست می‌کنند؛ و در چانه‌زنی‌های سیاسی مستقلانه عمل می‌کنند. بخشی مهارت شان را ما مدیون اقدام مثبت برای زنان بودیم (کد مصاحبه: ۳).

تعدادی از زنان با اجرای سیاست اقدام مثبت توانسته است دو دوره در مجلس پانزدهم و شانزدهم از مردم نمایندگی کند. از نظر آن‌ها در هر مرحله به تجربه و مهارتشان افزوده شده است در واقع با حضورش در دو دوره مجلس و بهره‌گیری از این فرصت زمینه فعالیت در پست‌های بالاتر نظیر کار در معاونت اول ریاست جمهوری نیز برای آن‌ها مهیا شده است:

زنان که از اقدام مثبت بهره‌مند می‌شوند رشد می‌کند و توانایی‌های او افزایش می‌یابد. خودم با استفاده از اقدام مثبت در پارلمان پانزدهم و شانزدهم وکیل شدم و فعلاً که در معاونت اول کار می‌کنم در واقع همین سیاست اقدام مثبت بود که برایم زمینه فعالیت داده شد و شانس این را پیدا کردم که بتوانم در حوزه اجتماعی و سیاسی فعالیت کنم و در هر مرحله به تجربه و توانمندی‌هایم افزوده شد (کد مصاحبه: ۱۰).

۳.۲.۵ مکمل شایسته‌سالاری

مصاحبه‌شوندگان معتقد هستند اکنون زنان در افغانستان در شرایط کاملاً نابرابر نسبت به مردان زندگی می‌کند بناً چطور امکان دارد زنان با مردان وارد یک رقابت برابر شوند. از دید آن‌ها در همچنین شرایطی راهبرد اقدام برای زنان به صورت کلی با شایسته‌سالاری در یک جهت قرار دارد در واقع تکمیل‌کننده شایسته‌سالاری است چون با اجرای سیاست اقدام مثبت زنان می‌تواند در این فرایند از فرصت ایجادشده به نفع خود استفاده کند و به شایستگی برسد:

اقدام مثبت و شایسته‌سالاری این دو تکمیل‌کننده همدیگر و در یک جهت قرار دارد. این کار باعث می‌شود زنان کارآمد تربیت شوند یعنی از یک نگاه می‌توان گفت که

اقدام مثبت در جهت رسیدن به شایسته‌سالاری است. چون فعلاً زنان نسبت به مردان کاملاً در شرایط نابرابر زندگی می‌کنند چطور این‌ها را وارد رقابت برابر کنیم (کد مصاحبه: ۲).

مشارکت‌کنندگان اشاره می‌کنند با اجرای راهبرد اقدام مثبت برای زنان در مشارکت سیاسی به این معنا نیست که زنان ضعیف وارد عرصه سیاسی - اجتماعی می‌شوند بلکه رقابت بیشتر میان زنان ایجاد می‌شوند و در میان آن‌ها به‌اندازه کاندیدان مرد، زن توانمند وجود دارد که انتخاب شوند. از سوی دیگر نظر به شرایط نابرابر موجود و فرهنگ حاکم مردسالاری و سنتی در افغانستان، به زنان فرصت داده نمی‌شوند که جامعه شایستگی آن‌ها را در حوزه‌های مربوط شاهد باشد. سازوکار اقدام مثبت باعث شده است زمینه حضور برای زنان در اجتماع مهیا شوند و زنان فعال در عرصه سیاسی - اجتماعی حضور یابد و دارای جایگاه سیاسی و صاحب درآمد شوند همین‌طور این‌ها می‌تواند به‌صورت دقیق‌تر برای بهبود شرایط زنان کار کند. از دید مصاحبه‌شوندگان به‌صورت کلی سیاست اقدام مثبت با شایسته‌سالاری منافات ندارد اما در موارد جزئی ممکن است سیاست اقدام مثبت موردنقد قرار گیرد:

زمان که سیاست اقدام مثبت اعمال می‌شود به این معنا نیست که زنان ضعیف وارد عرصه عمومی می‌شود رقابت بین زنان است و در میان زنان بدون شک به‌اندازه مردان افراد توانمند یافت می‌شوند که انتخاب شوند. در بحث شایسته‌سالاری عرض شود در افغانستان به دلیل فرهنگ مردسالاری و سنتی اصلاً به دختران از ابتدا اجازه داده نمی‌شود شایستگی آن‌ها را به‌طور لازم شاهد باشیم. در واقع سیاست اقدام مثبت باعث می‌شود که زنان فعال به عرصه عمومی وارد شوند صاحب جایگاهی سیاسی شوند و این‌ها به‌صورت دقیق‌تر برای بهبود وضعیت زنان کار می‌کند در صورت کلی نمی‌توانیم اقدام مثبت را برخلاف شایسته‌سالاری تعریف کنیم در موارد جزئی شاید صدق کند. می‌توانیم بگوییم که اقدام مثبت باعث می‌شود که زنان به شایستگی برسد و قابلیت‌های شان رشد کند (کد مصاحبه: ۴).

از نظر مصاحبه‌شوندگان زنان در شرایط گذشته و کنونی ستم و تبعیض را در افغانستان تجربه کرده‌اند از این لحاظ آن‌ها راهبرد اقدام مثبت را نیاز زنان می‌دانند برای این‌که زنان بتوانند در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی سهم بگیرند همین‌طور در پست‌های مهم و رهبری در دستگاه دولتی راه یابد این خود باعث می‌شود سایر زنان هم بتوانند در

فضای سنتی و مردسالار افغانستان خودش را باور کند و توانایی‌های خود را توسعه دهد با این وجود راهبرد اقدام مثبت را آن‌ها خلاف شایسته‌سالاری نمی‌داند بلکه تکمیل‌کننده شایسته‌سالاری دانسته‌اند:

فکر نمی‌کنم که اقدام مثبت با شایسته‌سالاری منافات داشته باشد بلکه تکمیل‌کننده هم‌دیگر است چراکه ستم و تبعیض که زنان در شرایط کنونی و گذشته افغانستان تجربه کرده‌اند نیاز بود که زنان تشویق شود و در کارهای اجتماعی - سیاسی سهم بگیرند و در پست‌های مهم و بالاتر راه یابد تا سایر زنان هم بتوانند در فضای مردسالار افغانستان توانایی و استعداد خودش را باور کند (کد مصاحبه: ۱۳).

۳.۵ یافته‌های مربوط به چالش‌های راهبرد اقدام مثبت

طبق تحلیل انجام‌شده، چالش‌های راهبرد اقدام مثبت نیز در سه مقوله، چالش در تطبیق اقدام مثبت، حاکمیت فرهنگ مردسالاری، نبود صلح و امنیت پایدار دسته‌بندی شده است. مقولات مربوط به چالش‌های اقدام مثبت در جدول ۵-۳ آمده است و در ادامه نمونه‌های از تجربه مشارکت‌کنندگان در برخورداری از فرآیند اقدام مثبت نیز بیان شده است.

جدول ۳.۵. مقولات مربوط به چالش‌های راهبرد اقدام مثبت

شماره	مقوله	زیر مقوله
۱	چالش در تطبیق اقدام مثبت	سوءاستفاده دولت‌مردان و رهبران سیاسی از اقدام مثبت
		دسترسی نابرابر همه زنان به اقدام مثبت
		سرکوب زنان در استفاده از اقدام مثبت
		احساس حقارت زنان در محیط کار
۲	حاکمیت فرهنگ مردسالاری	حاکمیت ارزش‌های سنتی و تحجرگرایی
		نقش سنتی زنان در فامیل و قبیله
		نگاه کم‌بینانه مردان نسبت به زنان
۳	نبود صلح و امنیت	بازماندن زنان از مشارکت سیاسی
		بازماندن زنان از اقدام مثبت و برنامه‌های تشویقی دولت

۱.۳.۵ چالش در تطبیق اقدام مثبت

مصاحبه‌شوندگان اظهار داشته‌اند که در تطبیق این برنامه برای زنان عدالت در نظر گرفته نمی‌شود. وجود تعصبات قومی و زبانی را در افغانستان از چالش‌های اصلی در تطبیق راهبرد اقدام مثبت می‌دانند در حال که زنان باید بدون نگرانی از این‌که از کدام قوم و زبان هستند وارد رقابت در مشارکت سیاسی، استخدام و سایر فعالیت‌ها شوند؛ اما بعضی اقوام به دلیل تبعیض قومی از سیاست اقدام مثبت کم‌تر بهره‌مند می‌شوند در واقع زنان در افغانستان قربانی تبعیضات قومی نیز می‌شود:

شفافیت در تطبیق این برنامه وجود ندارد بعضی از مسائل که نباید باشد در اقدام مثبت اما وجود دارد مثل تعصب قومی و زبانی بسیار برجسته است. زنان باید بدون نگرانی از این‌که قومیت و زبان شان چه است وارد رقابت در مشارکت سیاسی، استخدام و سایر فعالیت‌ها شوند. از استراتژی اقدام مثبت بعضی اقوام خوب برخوردار می‌شوند اما بعضی اقوام به دلیل تبعیض قومی کم‌تر بهره‌مند می‌شوند (کد مصاحبه: ۱۵).

از سوی دیگر مشارکت‌کنندگان اشاره کرده‌اند که همه زنان به‌صورت برابر از راهبرد اقدام مثبت بهره‌مند نمی‌شوند چون؛ زنان که جایگاهی اجتماعی بالا دارند یا از یک قبیله‌ی بزرگ است و یا خانواده او سال‌ها در قدرت و سیاست بوده است این دسته‌ی از زنان در مشارکت سیاسی نسبت به زنان که این شرایط را ندارد سریع‌تر می‌تواند از راهبرد اقدام مثبت استفاده کند. آنان اشاره می‌کند به نمونه‌های که در بعضی ولایات دو خواهر از یک خانواده نماینده تعیین شده است یا بعضی از زنان به دلیل جایگاه سیاسی بالای برادرش رأی گرفته است و نماینده تعیین شده است یعنی زنان که از جایگاهی اجتماعی و حزبی محروم هستند این‌ها نمی‌تواند به‌صورت برابر از سیاست اقدام مثبت در مشارکت سیاسی بهره‌مند شوند:

به‌صورت محدود می‌توانیم بگوییم زنان که جایگاهی قبیله‌ای خوب دارند یا خانواده او سال‌ها در قدرت بوده پس شانس این خانم نیز بیشتر است که از سیاست اقدام مثبت سریع‌تر بهره‌مند شود. برای نمونه خانواده‌های هستند در شهرهای مختلف که دو تا خواهر از یک خانواده نماینده تعیین شده است یا بعضی خانم‌ها به دلیل که برادرش جایگاهی سیاسی خوبی دارد نماینده تعیین شده است (کد مصاحبه: ۴).

۲.۳.۵ حاکمیت فرهنگ مردسالاری

مصاحبه‌شوندگان ابراز داشته‌اند گاهی از سوی مردان مورد سرزنش قرار می‌گیرد که چرا زنان نماینده از طریق رقابت آزاد انتخاب نمی‌شوند همین‌طور زنان توانایی ندارد اگر نه بدون راهبرد اقدام مثبت نماینده تعیین می‌شد. از نظر مصاحبه‌شوندگان این تبلیغات و سرزنش باعث شد بعضی از زنان نماینده انکار کند که با استفاده از سهمیه راه‌یافته است بلکه از طریق رقابت آزاد نماینده مردم تعیین شده است. آنان اشاره می‌کند گاهی زنان نماینده در مقابل مردان احساس حقارت می‌کند چون فکر می‌کند با اجرای سیاست اقدام مثبت در حق آن‌ها لطفی شده است:

مردان هرازگاهی مخالفت می‌کرد که زنان توانای ندارد ولی این‌ها با استفاده از سهمیه نماینده انتخاب شده است در نتیجه این تبلیغات تا جای باعث شد که بعضی زنان انکار کند که با استفاده از اقدام مثبت نیامده است. بلکه در رقابت آزاد از طرف مردم نماینده تعیین شده است چون گاهی زنان احساس حقارت می‌کرد در مقابل مردان چون فکر می‌کرد که به اساس اقدام مثبت لطفی در حق آن‌ها شده است (کد مصاحبه: ۴).

همچنان برخی از مصاحبه‌شوندگان اشاره می‌کند زنان گاهی در جلسات مورد تحقیر و طعنه‌ی برخی از مردان قرار گرفته‌اند به دلیل که زنان نمی‌تواند به‌صورت برابر با مردان رقابت و فعالیت کند. چون زنان از راهبرد اقدام مثبت در مشارکت سیاسی استفاده می‌کند این نشان‌دهنده این است که زنان از توانایی کار برابر با مردان را ندارد:

مردان گاهی در جلسات که باشند زنان را تحقیر و توهین می‌کند و گاهی طعنه می‌دهند که شما زنان ادعای از این رادارید که ما با مردان می‌توانیم برابر فعالیت کنیم ولی همین‌جا با استفاده از اقدام مثبت عملاً ما می‌بینیم که شما برابر کار کرده نمی‌توانید (کد مصاحبه: ۱۱).

۳.۳.۵ نبود صلح و امنیت

از نظر مشارکت‌کنندگان از چالش‌های قابل توجه که تا هنوز زنان در تحقق و استفاده راهبرد اقدام مثبت تجربه کرده‌اند نبود امنیت است که زنان را بسیار آسیب‌پذیر ساخته‌اند. در مناطق جنگی زنان نماینده نتوانسته است به شکل مطلوب از راهبرد اقدام مثبت در مشارکت سیاسی و فعالیت‌های اجتماعی و همین‌طور از سایر برنامه‌های تشویقی بهره‌مند شوند

همچنان فرهنگ سنتی حاکم در جامعه را نیز از چالش مهم در تطبیق سیاست اقدام مثبت برای زنان دانسته‌اند:

بسیار موانع زیاد را زنان تجربه کرده است. مخصوصاً مسئله امنیتی است که زنان را بسیار آسیب‌پذیر ساخته است و در فعالیت زنان و استفاده از اقدام مثبت و سایر امتیازات که دولت برای زنان در نظر می‌گیرد نبود صلح از موانع جدی به حساب می‌آید. موضوع دیگر فرهنگ سنتی مردم است که نمی‌گذارد برنامه اقدام مثبت درست تطبیق شود (کد مصاحبه: ۱۵).

۶. بحث و نتیجه‌گیری

آنچه زنان نماینده در مقوله «تسهیل‌کننده» در خصوص سیاست اقدام مثبت تجربه خود را بیان کرده‌اند با توجه به شرایط زنان چه در گذشته و اکنون در افغانستان، زنان در جهت حضور در عرصه عمومی به خصوص در مشارکت سیاسی به راهبرد اقدام مثبت نیازمند دیده می‌شوند. چراکه رقابت آزاد زنان با مردان در عرصه عمومی به خصوص در مشارکت سیاسی در افغانستان بسیار دشوار است. از دید زنان نماینده شرایط نابرابر اقتصادی و اجتماعی به آنان اجازه نمی‌دهد وارد یک رقابت آزاد با مردان در عرصه اجتماعی - سیاسی شوند چون در انتخابات تمکن مالی و پایگاه اجتماعی بسیار مهم‌اند. آن‌ها با استفاده از سیاست اجرایی اقدام مثبت پی برده‌اند که با ریسک کم‌تر می‌تواند وارد سیاست شوند.

نتایج یافته‌ها از تجربه زنان نماینده نشان می‌دهد که در عرصه سیاسی رقابت کردن با مردان به دلیل باورهای سنتی و فرهنگ برجای مانده از طالبان و همچنین نظام سیاسی جدید را که زنان تجربه می‌کنند دشوار است. از طرف دیگر با توجه به تجربه آنان در انتخابات، تمکن مالی، پایگاه اجتماعی و حزبی نقش مهم را ایفا می‌کند. باوجود تمام نابرابری‌های عمیق جنسیتی در کاندید کردن زنان در افغانستان، سازوکار اقدام مثبت به مشارکت سیاسی آنان کمک می‌کند تا از سهمیه انحصاری خود در مشارکت سیاسی استفاده کند.

نظر به یافته‌ها متوجه می‌شویم یکی از چالش‌های جدی فراروی زنان در افغانستان، اعتقاد نداشتن به توانایی و قابلیت زنان هستند چون از دید غالب افراد جامعه مورد غفلت واقع شده است. از نظر مشارکت‌کنندگان اجرای راهبرد اقدام مثبت نقطه عطفی بود که به

حضور زنان در عرصه عمومی در دو دهه اخیر منجر شد و در پی آن جامعه نیز به کارکرد و توانایی زنان پی بردند؛ چراکه هنوز زنان در افغانستان جایگاه جنس دوم را دارند.

مقوله «ایجاد فرصت برای زنان» از تجربه‌ی زنان نماینده توضیح می‌دهد سازوکار اقدام مثبت باوجود که باعث حضور زنان در عرصه عمومی شده‌اند در بهره‌مندی زنان از فرصت‌های اجتماعی - سیاسی نیز مؤثر واقع شده‌اند اما با اجرای راهبرد اقدام مثبت نتایج این وضعیت در اطلاعات جمع‌آوری شده از تجربه زنان نماینده نشان داد که: اجرای اقدام مثبت در مشارکت سیاسی برای زنان، در تأمین فرصت برابر برای زنان تا هنوز کافی نبوده با این لحاظ ممکن است ادعا کرد که زنان در درازمدت به برابری فرصت خواهد رسید. همچنان از تجربه مشارکت‌کنندگان متوجه می‌شویم که در جامعه جنگ‌زده و سستی افغانستان در راستای بهره‌مندی زنان از فرصت‌های اجتماعی - سیاسی و مقابله با نابرابری، ایجاد یک فرصت اجباری در جهت خلق فرصت‌ها برای زنان لازم است. باتوجه به فرصت ایجادشده در دو دهه اخیر، زنان نماینده از تجربه خود در مقوله «بهره‌وری از تنوع جنسیتی» بدین شرح بیان می‌کند: با اجرای راهبرد اقدام مثبت در دو دهه اخیر حضور قابل‌توجهی زنان در شورای ملی و شورای ولایتی، تنوع جنسیتی را به‌همراه داشته‌اند. تنوع جنسیتی در پالسی سازی و برنامه‌های توسعه دولت توانسته‌اند که زمینه اثربخشی پلان‌های اجرایی دولت را به‌خصوص برای زنان فراهم کند؛ یعنی ممکن است تأثیر منفی عدم حضور نماینده‌های زن بر احتمال وجود ضعف در سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های توسعه دولت دانسته شود و زنان در شهرها نتوانند به شکل مطلوب از برنامه‌های توسعه دولت مستفید شوند.

یافته‌ها از تجربه مصاحبه‌شوندگان در مقوله «رشد توانایی و قابلیت‌ها» نشان داد که بخش مهمی از تجربه زنان نماینده با استفاده از فرصت پیش‌آمده در خصوص رشد توانایی و مهارت‌هایشان ناشی از راهبرد اقدام مثبت دانسته می‌شود. با بهره‌مندی زنان از راهبرد اقدام مثبت حس باورمندی و اعتمادبه‌نفس زنان افزایش یافته است و توانسته‌اند در نتیجه تلاش و کسب تجربه سیاسی در دوران توأم با وکالت خود مدیریت و رهبری را نیز بیاموزد و در مراحل بعدی در سطوح رهبری و پست‌های مهم دولتی وظیفه اجرا کنند.

یکی از مباحث مهم در خصوص راهبرد اقدام مثبت بحث صلاحیت علمی - تخصصی متقاضیان و گروه مورد هدف سیاست اجرایی اقدام مثبت است. آیا می‌توان به

اقلیت‌های جنسیتی، طبقات و گروه‌های که در دوره‌های گذشته مورد ستم و تبعیض قرار گرفته‌اند و در شرایط کنونی که آنان نسبت به رقیبانشان در سطح پایین‌تر قرار دارند به آنان امتیازاتی ویژه داد تا تبعیض و نابرابری‌های که بر آنها چه عامدانه یا سهواً و یا از روی غفلت تحمیل گشته درمان شود. یافته‌ها در مقوله «مکمل شایسته‌سالاری» نشان می‌دهد با توجه به شرایط نابرابر کنونی و فرصت سوزی که زنان در افغانستان داشته‌اند امکان ندارد در چنین شرایطی پس از جنگ و مردسالاری زنان بدون کدام تسهیلات و اقدامات ترجیحی وارد رقابت آزاد با مردان در حوزه‌های اجتماعی - سیاسی شوند چون تسهیلات و امکانات بیشتر در دسترس مردان قرار داشته‌اند. به باور زنان نماینده در چنین شرایطی سیاست اجرایی اقدام مثبت با شایسته‌سالاری در یک‌سو قرار می‌گیرد. در صحبت آنان اشاره شده‌اند که در واقع تکمیل‌کننده شایسته‌سالاری است چراکه با بهره‌مندی از راهبرد اقدام مثبت برای آنان فرصت ایجاد شده‌اند. چنانچه آنها توانسته‌اند از این فرصت پیش‌آمده در راستای اهداف خود استفاده کنند و به شایستگی و جایگاهی سیاسی برسند همین‌طور آنها توانسته‌اند به‌صورت دقیق‌تر برای بهبود وضعیت سایر زنان کار کنند.

از مقوله «عامل شناسایی افراد شایسته» در خصوص مشارکت سیاسی زنان متوجه می‌شویم که سیاست اجرایی اقدام مثبت سبب نمی‌شود در مجموع زنان ضعیف وارد مجلس شوند بلکه مردم از میان زنان کاندید قدرت انتخاب دارند. به‌عبارت‌دیگر با اجرای راهبرد اقدام مثبت و حضور زنان در عرصه عمومی این زمینه برای مردم هم فراهم می‌شوند که از میان کاندیدان زن به فرد واجد شرایط و شایسته رأی دهند. با این لحاظ نتیجه‌گیری می‌شود در شرایط نابرابر و حاکمیت فرهنگ مردسالاری و سستی استعداد زنان در افغانستان سرکوب شده است و آنها تا یک دهه پیش فرصت فعالیت و کار در اجتماع را نداشت لذا جامعه از شایستگی و کارکرد زنان مغفول مانده بود با اجرایی راهبرد اقدام مثبت، به‌خصوص برای زنان توانمند و شایسته فرصت فراهم شد تا آنان وارد کارزار سیاست شوند و مورد حمایت مردم قرار بگیرند.

باگذشت دو دهه زمان قابل توجه از اجرای این راهبرد و حیات پرفرازونشیب زنان اقتضا می‌کند تا چالش‌های سیاست اجرایی اقدام مثبت از دید نمایندگان زن نیز بدین شرح مورد بحث قرار گیرد: در مقوله «دسترسی نابرابر همه زنان» از تجربه زنان نماینده

متوجه می‌شویم که در تطبیق، همه زنان از سطوح مختلف در مشارکت سیاسی از سازوکار اقدام مثبت به صورت یکسان بهره‌مند نشده‌اند. چون ساختار قبیله‌ی جامعه افغانستان و سنت نیرومندی قبیله‌ی که وجود دارد به‌عنوان چالش فراروی مشارکت سیاسی زنان در بهره‌مندی آنان به صورت برابر از راهبرد اقدام مثبت دانسته می‌شود. از سوی دیگر سابقه احزاب و گروه‌های جهادی در تعاملات سیاسی افغانستان همین‌طور در خصوص حمایت و مشارکت سیاسی زنان و دسترسی نابرابر زنان به راهبرد اقدام مثبت نیز حائز اهمیت است. آنچه از تجربه‌ی زنان نماینده درک می‌شود این است: زنان که از خانواده‌های مجاهد و خانواده‌های که در قدرت سیاسی و حزبی هستند کاندید می‌شوند بهتر می‌توانند نسبت به زنان غیر حزبی و جهادی از راهبرد اقدام مثبت در مشارکت سیاسی مستفید شوند. نتیجه گرفته می‌شود با آنکه اقدام مثبت به حضور زنان در عرصه عمومی و ایجاد فرصت برای آنها به صورت کلی فوق‌العاده مؤثر واقع شده است اما در فرایند تطبیق شفافیت رعایت نشده است. بنابراین می‌طلبد در تطبیق اقدام مثبت و سازوکار اجرای این سیاست از سوی دولت و کارگزاران سیاسی توجه لازم شوند تا همه زنان واجد شرایط در مشارکت سیاسی به صورت یکسان خود را در سیاست اجرایی اقدام مثبت ببینند.

هم چنان نبود صلح و در مقوله «فرهنگ مردسالاری» ضعف فرهنگی یکی از چالش‌ها سد راهی زنان در مشارکت سیاسی و بهره‌مندی آنها از راهبرد اقدام مثبت به حساب می‌آید. چون برخی افراد جامعه و دولت‌مردان متوجه فلسفه اقدام مثبت و دلیل اعمال آن برای زنان تا هنوز نشده است. چراکه تعدادی از مصاحبه‌شوندگان به این مسئله پرداخته‌اند که آنها گاهی در جلسات مورد تحقیر و طعنه‌ی برخی از دولت‌مردان و همین‌طور افراد جامعه قرار گرفته‌اند: که چرا زنان در رقابت آزاد وارد سیاست و دستگاهی دولتی نمی‌شوند در واقع زنان ضعیف‌اند و توانایی کار برابر و رقابت برابر با مردان را ندارند. پس اهداف اقدام مثبت و فلسفه اجرایی این سیاست برای همه روشن شود تا از نگاه کم‌بینانه به زنان کاسته شود و زنان دیگر به دلیل استفاده از اقدام مثبت مورد سرزنش و تحقیر قرار نگیرند.

لازم به ذکر است گستردگی سیاست اقدام مثبت در همه قاره‌ها دیده می‌شود مانند آمریکا (ایالات متحده، کانادا، برزیل)، اروپا (فرانسه، آلمان، انگلستان، ایتالیا، اسپانیا، پرتغال، بلجیم، هلند، ایرلند، یونان، اتریش و در قانون اتحادیه اروپا) آسیا (روسیه، هند، چین) آفریقا

(نیجریه، آفریقای جنوبی) اقیانوسیه (استرالیا، نیوزلند) (Gerapetritis, 2016: 91-169). از آنجاکه بررسی همه دولت‌ها در حجم تحقیق حاضر نمی‌گنجد به‌طور نمونه به نتایج راهبرد اقدام مثبت در آمریکا و هند اشاره می‌شود. در آمریکا سیاست اجرایی اقدام مثبت بیش از هرزمان در مبارزات مدنی سیاه‌پوستان آمریکا از دهه ۱۹۶۰ به بعد دیده می‌شود. راهبرد اقدام مثبت نخستین بار در فرمان اجرایی شماره ۱۰۹۲۵ توسط رئیس‌جمهور کنندی در سال ۱۹۶۱ برای نیروی کار سیاه‌پوستان استفاده شد (ازندریانی، ۱۳۹۴: ۳۶-۳۷). اقدام مثبت با روش‌های ترجیحی برای اقلیت‌ها و سیاه‌پوستان توانسته است تبعیضات را کاهش دهد به‌طور نمونه، پیش از تصویب قانون مدنی ۱۹۶۴، یک کارگر سیاه‌پوست کم‌تر از ۶۰٪ نسبت به کارگر سفیدپوست دستمزد می‌گرفت درحالی‌که در سال ۱۹۹۳ این نسبت به ۷۵٪ رسید. تعداد قضاوت و وکلای سیاه‌پوست از ۱/۲٪ در سال ۱۹۷۸ به ۵/۱٪ در سال ۲۰۰۰ رسید. همین‌طور پزشک از ۲٪ به ۵/۶٪، شمار مهندسين از ۱/۱٪ به ۵/۵٪ و شمار اساتید دانشگاه از ۲/۶٪ به ۶/۱٪ رسید از سوی دیگر در خزان ۱۹۹۷ دانشکده حقوق دانشگاه تگزاس، برنامه‌ی اقدام مثبت را از میان برداشت، دانشجویان سیاه‌پوست از سال گذشته که ۶۵ نفر بود به ۱۱ تنزل پیدا کرد (Global Rights Institution 2005, 14-20).

هند بزرگ‌ترین کشور چند مذهبی، و دارای تنوع قومی، نژادی و مذهبی در دنیا است. هم‌چنین به دلیل تفاوت‌های اجتماعی عمیق، حاکمیت نظام کاست (طبقه)، مذهب، اخلاقیات و منطقه باعث به وجود آمدن سبک‌های زندگی متفاوت در جامعه هندی شده‌اند در نظام حقوقی هند سیاست اقدام مثبت در جهت بهبود نظام کاستی استفاده‌شده است (Sowell: 2004, 23). در قانون اساسی استقلال هند در سال ۱۹۳۵ از سیاست اقدام مثبت در جهت بهبود شرایط کاست‌های برنامه‌ریزی‌شده و قبایل برنامه‌ریزی‌شده که حدود ۲۳٪ از جمعیت هند را تشکیل می‌دهد حمایت‌شده است در ماده‌های ۴۶، ۳۲۲ و ۳۳۰ قانون اساسی رزرو کرسی‌های مجلس، امتیازات در پذیرش مدارس و دانشگاه‌ها، استخدام در پست‌های دولتی و دیگر منافع مالی متعدد برای آن‌ها پیش‌بینی شده است. به‌طورکلی سیاست‌های اقدام مثبت در ارتقای وضعیت اجتماعی و اقتصادی، کاست‌های ویژه و قبایل ویژه از طریق اقدامات ترجیحی در مشاغل، پذیرش دانشگاه‌ها نمایندگی در مجلس و سایر امتیازات برای رفع پیامدهای تاریخی تبعیض و عقب‌افتادگی تبعیض علیه کاست‌ها تأثیرگذار بوده‌اند (Ibid: 25-26).

۷. نتیجه‌گیری نهایی

بر اساس تجزیه و تحلیل یافته‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که با توجه به شرایط نامتعادل سیاسی و تحدید گروه‌های افراطی، سازوکار اجرایی اقدام مثبت در دو دهه اخیر توانسته است با آن‌که زنان افغانستان ستم و نابرابری زیادی را تجربه کرده‌اند حضور آن‌ها را در عرصه عمومی تضمین کنند و فرصت مشارکت در حوزه‌های اجتماعی - سیاسی برای آن‌ها را فراهم کند. زنان نماینده توانسته‌اند در جهت کسب مهارت و دانش سیاسی خود از این فرصت استفاده کنند و در پست‌های مدیریتی و سیاست‌گذاری دستگاه دولت راه یابند. می‌توان عرض کرد رابطه‌ی معنادار بین سازوکار اقدام مثبت با مؤلفه‌های نظیر بهره‌مندی از تنوع جنسیتی، رشد توانایی و کسب مهارت زنان، پی بردن به استعداد زنان، انعطاف‌پذیری در سیاست‌گذاری و تضمین حضور زنان در عرصه عمومی وجود دارد.

آنچه یافته نشان داد بدون راهبرد اقدامات مثبت در جامعه مردسالار و شرایط جنگی افغانستان ممکن نیست زنان در رقابت آزاد با توجه به جایگاهی حزبی، جهادی، قبیله‌ای، اقتصادی و لابی‌گری که مردان در مشارکت سیاسی با آن‌ها رقابت کنند تا در مجلس و سنا راه یابند چراکه مؤلفه‌های فوق از نظر زنان نماینده در انتخابات و فعالیت‌های سیاسی مهم دانسته شده‌اند که در واقع زنان از این مؤلفه‌ها محروم هستند. از طرف دیگر آنچه مهم است چگونگی اجرای راهبرد اقدامات است چنانچه اجرای این راهبرد با درایت و بسترسازی‌های اجتماعی مناسب صورت نگیرد، ممکن است مورد سوءاستفاده قرار گیرد و نتیجه مطلوب را در پی نداشته باشد به تبع آن باعث نابرابری در میان گروهی مورد هدف سیاست اقدام مثبت خواهد شد.

کتاب‌نامه

- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان مصوب ۱۳۸۲.
- قانون انتخابات جمهوری اسلامی افغانستان مصوب ۱۳۸۳.
- بودلایی، حسن، (۱۳۹۸)، روش تحقیق پدیدارشناسی، تهران: انتشارات احسان.
- تانگ، رزمی، درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نی، ۱۳۹۶.
- ذکایی، محمد سعید، (۱۳۹۹)، هنر انجام پژوهش کیفی؛ از مسئله‌یابی تا نگارش، تهران: آگاه.
- رانز، جان، عدالت به مثابه انصاف، ترجمه عرفان ثابتی، (۱۳۹۸)، تهران: انتشارات ققنوس.

تجربه زیسته نمایندگان زن ... (محمدحسین خالقی و محمدآصف محسنی) ۱۴۵

- رالز، جان، *نظریه‌ای در باب عدالت*، تهران: مرکز، ۱۳۹۳.
- رحیم نیا، فریبرز، هدیه لقمانی، «مدیریت استراتژیک تنوع نیروی کار، مزیتی رقابتی»، دهمین اجلاس بین‌المللی مدیریت استراتژیک ایران. تهران، ۱۳۹۲.
- رودگر، نرگس، (۱۳۹۴)، *تاریخچه نظریات گرایش‌ها و نقد فمینیسم*، تهران: نشر دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- زهاوی، دان، *پدیدارشناسی هوسرل*، ترجمه مهدی صاحبکار و ایمان واقفی، (۱۳۹۲)، تهران: روزبهان.
- سید حسن توسلی، (۱۳۷۶)، «مبنای عدالت در نظریه جان رالز»، *مجله نقد و نظر*، سال ۱۳۷۶، دوره ۳، شماره ۳.
- علاسوند، فریبا، *زن در اسلام*، قم: مرکز نشر هاجر، چ ۷، ۱۳۹۷.
- گرچی ازندریانی، علی‌اکبر (۱۳۸۴)، «تبعیض مثبت: تبعیض عادلانه یا درمان اثرات تبعیض» *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۵۵.
- گرچی ازندریانی، علی‌اکبر، (۱۳۸۸)، در تکاپوی حقوق اساسی، تهران: جنگل، چ ۲.
- گرچی ازندریانی، علی‌اکبر، (۱۳۹۴)، *تبعیض مثبت*، تهران: آلا قلم.
- محسن جاهد و سحرکوندی، (۱۳۹۲)، «اقدامات جبرانی؛ نقد و بررسی دلایل موافقان و مخالفان»، *پژوهش‌نامه اخلاق*، ش ۲۱.
- محمدپور، احمد، (۱۳۹۷) *ضد روش: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی*، تهران: لوگوس.
- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۷)، *از جنبش تا نظریه اجتماعی تاریخ دو قرن فمینیسم*، تهران: شیرازه.
- ناصر فکوهی، (۱۳۸۴)، «سازوکار اقدام مثبت» به مثابه ابزار محرومیت‌زدایی با نگاهی به موقعیت زنان در ایران»، *پژوهش‌نامه زنان*، دوره ۳، ش ۳.
- واعظی، احمد، (۱۳۸۶)، *جان رالز؛ از نظریه عدالت تا لیبرالیسم سیاسی*، قم: نشر بوستان کتاب.
- واعظی، احمد، (۱۳۹۳)، *نقد و بررسی نظریه‌های عدالت*، قم: آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

George Gerapetritis, *Affirmative Action Policies and Judicial Review Worldwide*, Springer International Publishing, Switzerland, 2016.

Global Rights Institution, *Affirmative Action: A global Perspective*, Washington DC, 2005.

Thomas Sowell, *Affirmative action Around the Word* (New Haven & London: Yale University Press, 2004.